



نقش اخلاق فردی امام علی علیه السلام در حکومت

سوسن کشاورز - پژوهشگر

کلیدواژه‌ها:

تقوا - زمامدار - اخلاق - حکومت - اهداف

تربیتی

چکیده:

مسأله ضرورت وجود حکومت در جامعه بشری که موجب جمع متفرقات، تنظیم امور فردی و اجتماعی، بیان و اجرای حدود و حقوق، تأمین عزت و حفظ موجودیت و صیانت آزادی و استقلال مردم و اجرای وظایف مردم در برابر خود و دیگران می‌گردد، از امور بدیهی و مسائل ضروری جامعه انسانی است؛ حکومت برای تحقق اهداف آرمان خود به حاکمی با ویژگیها و توانمندیهای خاص تربیتی، اخلاقی، علمی و سیاسی نیاز دارد. در این میان ارزشهای معنوی و اخلاقی بیش از دیگر ویژگیها خود را می‌نمایاند.

تقوا یکی از ارزشهای معنوی و اخلاقی و از اهداف تربیتی در نظام اسلامی است و به عنوان یکی از مهمترین مبانی اخلاقی و تربیتی حکومت امام علی علیه السلام محسوب می‌گردد.

در این مقاله با استفاده از رهنمودهای ارزشمند امام علی علیه السلام و آثار فردی، تربیتی و اجتماعی تقوا و تأثیر آن در شخصیت اخلاقی و سیره حکومتی آن حضرت به بیان ویژگیهای کارگزار در نظام الهی می‌پردازد.

ضرورت تشکیل حکومت

دلایل عقلی و نقلی، گواه نیاز جامعه بشری به حکومتی است که آموزش را راه برد، کیانش را حفظ کند، آن را از عوامل فساد و زوال باز دارد، در جهت مصالح آن برنامه‌ریزی کند، زورمند را از تجاوز به حقوق ناتوان نگه دارد، ستمگران را از آن دور کند، عدالت را در آن حاکم و راهها را ایمن و همگان را در برابر قانون یکسان سازد.

بی‌گمان برای انسان، حالتی رنج‌آورتر از هرج و مرج نیست و دین اسلام که کاملترین ادیان و دارای پیشرفته‌ترین قوانین و سازمانهاست، هیچ یک از امور معنوی یا مادی زندگانی انسان را رها نکرده و برای هر مسأله‌ای حکمی تعیین کرده است. مهمترین مسأله زندگی اجتماعی، ضرورت وجود حکومت است که اجرای بسیاری از احکام اسلام به آن وابسته است. در اثبات نیاز به حکومت و تشکیلات وابسته به آن از آیات شریف

قرآن استفاده می‌شود که حکومت بر مردم و اداره جامعه اسلامی از ابتدای ظهور اسلام مطرح بوده و پیامبر خدا با الهام از آیات الهی به این امر مهم عنایت داشته است. خداوند متعال در مورد علت نزول قرآن می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَىكَ اللَّهُ»^۱

این آیه بر مسأله حکومت در اسلام دلالت صریح دارد.

قرآن کریم آنجا که به رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمان می‌دهد که خلافت و ولایت علی علیه السلام را بعد از خودش به مردم ابلاغ کند، می‌فرماید: یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک فان لم تفعل فما بلغت رسالته^۲؛ «به کدام موضوع اسلامی به این اندازه اهمیت داده شده است؟ کدام موضوع دیگر است که ابلاغ نکردن آن با عدم ابلاغ رسالت مساوی باشد؟»

حضرت علی علیه السلام در مورد ضرورت وجود رهبر در جوامع بشری می‌فرماید: و أنه لا بدّ للنّاس من امیر برّ او فاجر، یعمل

(۱) نساء، ۱۰۵

(۲) مانده، ۶۷

فی إمرته المؤمن، و يستمتع فيها الكافر، و يبلغ الله فيها الاجل، و يجمع به الفیء، و یقاتل به العدو، و تأمن به السبل، و یؤخذ به للضعیف من القوى حتی یستریح بئز و یستراح من فاجر^۱؛ «از مقتضیات احکام الهی آن است که باید در میان مردم حکمرانی باشد، نیکوکار یا بدکار، که در آن صورت مؤمن در حکومت او به طاعت مشغول و کافر از زندگی بهره‌مند می‌شود. خداوند در زمان او (حاکم) هر که را به اجل مقدر می‌رساند. به وسیله او مالیات جمع و با دشمن جنگ می‌شود. راهها امن و حق ضعیف از قوی گرفته می‌شود تا نیکوکار در رفاه قرار گیرد و از شر بدکار آسوده ماند.

در واقع امام علی (ع) در این خطبه به برخی از آثار مادی و معنوی حکومت اشاره می‌کنند:

- ۱- در سایه حکومت حاکم، مؤمن به کار خویش ادامه می‌دهد.
- ۲- کافر نیز در حکومت حاکم - از مواهب مادی - بهره‌مند می‌شود.
- ۳- خداوند به مردم فرصت می‌دهد که در دوران حکومت او زندگی طبیعی خود را تا پایان - در سلامت نسبی - طی کنند.
- ۴- به وسیله حاکم اموال بیت المال جمع‌آوری می‌گردد.
- ۵- به کمک حاکم با دشمنان مبارزه می‌شود.

۶- به وسیله او جاده‌ها امن و امان می‌گردد.

۷- به کمک او حق ضعیفان از زورمندان گرفته می‌شود.

و نتیجه انجام این وظایف از سوی حکومت این است که: «نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران در امان خواهند بود.»
علی (ع) پیوسته لزوم یک حکومت مقتدر را تصریح کرده است و با فکر خوارج که در آغاز امر مدعی بودند با وجود قرآن از حکومت بی‌نیازیم، مبارزه کرده است. علی (ع)، حکومت و زعامت را به عنوان یک پست و مقام دنیوی که اشباع‌کننده حس جاه‌طلبی بشر و هدف و ایده‌آل زندگی می‌باشد، سخت تحقیر می‌کند و آن را مانند سایر مظاهر مادی دنیا از استخوان خوکی که در دست انسان خوره‌داری باشد بی‌مقدارتر می‌شمارد؛ اما همین حکومت را در مسیر اصلی و واقعی به عنوان وسیله‌ای برای اجرای عدالت و احقاق حق و خدمت به اجتماع، فوق العاده مقدس می‌شمارد.

این عباس در دوران خلافت علی (ع) بر آن حضرت وارد شد درحالی که با دست خودش کفش کهنه خویش را پینه می‌زد. امام از ابن عباس پرسیدند: قیمت این کفش چقدر است؟ ابن عباس گفت: هیچ. امام فرمودند: ارزش همین کفش کهنه در نظر من از حکومت و امارت بر شما بیشتر است مگر آنکه به وسیله آن عدالتی را اجرا کنم، حقی را به ذی حقی برسانم، یا باطلی را از میان بردارم.^۲

نقش اخلاق فردی حاکم در حکومت

با مرور تاریخ و سیر تحولات حکومتی مشاهده می‌شود که چگونه مردم در زیر سایه حکومتی صالح به صلاح‌گرایش یافته‌اند. نقش اخلاق فردی

حاکم و نوع تربیت او، نقشی آشکار است. به بیان امام علی (ع) با تغییر قدرت و حکومت، زمانه و همه چیز تغییر می‌یابد: اذا تغیر السلطان تغیر الزمان.^۳

در حاکمیت ستم، میدان عمل برای نیکان بسته و حرمتها شکسته است، بدکاران از هر قیدی رسته و درستکاران به خواری نشسته‌اند، چنانکه امیر مؤمنان فرموده است: تنهد فیه الأشرار و تستذل فیه الأخیار.^۴

چنانچه زمامداران خود سر و حاکمان خیره‌سر، رشته امور را به دست گیرند شایستگان، خوار و بی‌مقداران بلند مرتبه خواهند گشت.

و بالعکس در سایه حکومتی شایسته با زمامداری که متعلق به اخلاق الهی باشد، شایستگان اجر و قرب پیدا خواهند کرد، اوامر و مشکلات مردم به اصلاح خواهد گرایید و حق و عدالت در جامعه سایه خواهد گستراند.

تقوا به عنوان یک هدف واسطه‌ای

تربیتی در نظام اسلامی

معیار و ملاکی که دین اسلام در چارچوب نگرش خود به انسان ارائه می‌دهد، حاکی از توجه به ساختار وجودی اوست؛ ساختاری که فطرت در آن نقش اساسی ایفا می‌کند.

با توجه به این معیار می‌توان اهداف

(۱) نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۴۰

(۲) همان، خطبه ۳۳

(۳) همان، نامه ۳۱

(۴) همان، حکمت ۴۶۰

تربیتی را در نظام اسلامی به سه طبقه کلی اهداف غایی (نهایی)، اهداف واسطه‌ای و اهداف جزئی تقسیم کرد.^۱

هدف غایی تربیت در هر مکتبی، کمال مطلوب آدمی است و باید تمام فعالیت‌های آدمی متأثر از آن باشد. هدف غایی که حقیقتی بی نهایت و جامع تمام ارزشهاست، از دید اسلام همانا خداوند تعالی است. اوست که بی نهایت و کامل است و می‌تواند محور تمام افعال انسان قرار گیرد.

منظور از اهداف واسطه‌ای، برخی غایت‌های کلی است که برای تبدیل شدن به رفتارهای جزئی باید مشخصتر شوند. این اهداف نسبت به هدف نهایی وسعت و محدوده کمتری دارند و حد وسط بین هدف نهایی و اهداف رفتاری و جزئی‌اند. هدف‌های واسطه‌ای مسیر حرکت انسان را تا حدی مشخصتر می‌کنند و مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند که از به هم پیوستن آنها پیکره هدف نهایی ساخته می‌شود.

اهداف واسطه‌ای تربیتی از دیدگاه اسلام را می‌توان به چهار گروه کلی خلاصه کرد:^۲

الف) هدف‌های تربیتی‌ای که در آنها خدا محور توجه است.

ب) هدف‌های تربیتی‌ای که در آنها خود فرد محور توجه است.

ج) هدف‌های تربیتی‌ای که دیگران محور توجه‌اند.

د) هدف‌های تربیتی‌ای که در آن طبیعت محور توجه است.

محورهای کلی: اهداف تربیتی در

رابطه با خداوند در معرفت خدا، ایمان به او، تقوای الهی، عبودیت خدا، احساس تکلیف و شکرگزاری خلاصه می‌شود.

تقوا به عنوان یکی از خصوصیات

مهم اخلاقی فردی امام علی (ع)

تقوا از خصوصیات مهم اخلاقی است که متعلق بودن حاکم به آن باعث اجرای عدالت و کمال عقول می‌گردد.

تقوا از مهمترین خصوصیات اخلاقی و فردی حضرت علی (ع) و از رایجترین کلمات در نهج البلاغه است.^۳ این کلمه از ریشه «وقی» به معنای حفظ، صیانت و نگهداری گرفته شده است. «تقوا» یعنی خود را محفوظ نگه داشتن، و «متقین» یعنی کسانی که خود نگهدار هستند. تقوا نیرویی روحانی است که بر اثر تمرین‌های زیاد پدید می‌آید و به روح انسان شخصیت و قدرت می‌دهد و آدمی را مسلط به خویش‌ترن می‌کند و آثار و نتایج مفیدی دارد. آزمایش حاصل از تقوا، فرد را در برابر حوادث روزگار - چه حادثی که اراده انسان در آنها دخالت دارد و چه حوادثی که از اختیار او خارج است - مصون می‌سازد.

تقوا شخصیت انسان را تحت سیطره قرار می‌دهد و با وصل او به قدرت لایزال الهی زمینه‌های تأمین نیازها و رفع مشکلاتش را فراهم می‌کند.

آثار فردی، تربیتی و اجتماعی تقوا

و نقش آن در حکومت امام علی (ع)

۱- روشنی بینی و بصیرت

«بدانید هر که تقوا پیشه کرده از خدا

بترسد، حق تعالی راه بیرون شدن از فتنه و تباہیها و روشنایی از تاریکیها (ی نادانی و گمراهی) را به او نشان می‌دهد.»^۴

چگونه تقوا که فضیلتی اخلاقی و مربوط به طرز عمل انسان است، در عقل و فکر و قوه قضاوت انسان تأثیر دارد و منشأ درک حکمت می‌گردد؟

نخست آنکه نیروی عقل انسان برای درک حقایق آماده است ولی پرده‌هایی از طمع، شهوت، خودبینی، حسد و عشق‌های افراطی به مال، خانواده و جاه و مقام دیده آن را می‌پوشاند و انسان چهره حق و باطل را نمی‌تواند بنگرد؛ اما اگر با آب تقوا این غبار زدوده شود، دیدن چهره حق آسان است.

دوم آنکه هر کمالی در جهان هستی، پرتوی از کمال حق است و هر قدر انسان به خدا نزدیکتر شود، پرتو بیشتری از آن کمال مطلق در وجود او انعکاس خواهد یافت؛ لذا هر علمی از حکمت او سرچشمه می‌گیرد و هرگاه انسان در پرتو تقوا و پرهیز از گناه به او نزدیکتر شود و قطره وجود خود را به اقیانوس بیکران هستی او پیوند دهد، سهم بیشتری از حکمت الهی بر خواهد گرفت.

سوم آن که از نظر عقلی نیز پیوند میان تقوا و درک حقایق قابل فهم است؛ زیرا در جوامعی که بر محور هوا و هوس

(۱) درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، اهداف

تربیت از دیدگاه اسلام، ص ۲۹

(۲) اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، ص ۴۰

(۳) ده گفتار، مرتضی مطهری، ص ۱۵

(۴) نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲

می‌گردد، تمیز حق از باطل مشکل است؛ بکارگیری نیروها و انرژیها و هدر رفتن این سرمایه‌ها در راه گناه موجب کم شدن درک مردم می‌شود، هرچند در زندگی مادی، پیشرفت کنند.

حکمت، روشن بینی و بصیرتی که در اثر تقوا پیدا می‌شود، حکمت عملی است نه حکمت نظری.

راز روشنگری عقل و روشن بینی حاصل از تقوا این است که تقوا زمینه فکر و اندیشه و تشخیص راه درست را فراهم می‌سازد.

حاکم با تقوا در سایه روشن بینی و بصیرت حاصل از تقوا، به روش صحیح و منطقی، مسائل را مورد بررسی قرار می‌دهد و به نتیجه مطلوب دست می‌یابد.

۲- جلوگیری از شک و شبهه

«برعهده خویش می‌دانم که این مطالب را بگویم که خود نیز به این مطالب پایبندم. آن کس که در مقابل حوادث و پیشامدهای روزگار قرار گیرد و از آنها پند بگیرد، تقوا او را از سرنگون شدن در شبهات نگه می‌دارد.»^۱

شبهه تنها از این جهت شبهه نامیده شده است که شباهتی به حق دارد و به همین دلیل سبب فریب گروهی از ساده لوحان و دستاویزی برای شیطان صفتان برای فرار از حق می‌شود. در حقیقت اموری که در زندگی فردی و اجتماعی برای انسان پیش می‌آید از سه حال خارج نیست، گاهی حقی آشکار و گاهی باطلی روشن است، گاهی نیز مطلب باطلی در لباس حق عرضه می‌شود؛

ظاهرش حق است و باطنش باطل و از همین پوشش برای فریب مردم یا استدلالهای بی اساس استفاده می‌شود. اما افرادی که به سلاح تقوا مجهز هستند چون گرفتار هوا و هوس نیستند و عقل سلیم بر وجودشان حاکم است می‌توانند در پرتو نور آن، ظلمات شبهه را بشکافند و در مسیر هدایت گام نهند.

اگر باطل در چهره اصلی اش ظاهر شود، برکسی مخفی نمی‌ماند و وجدانهای بیدار و طبع سلیم انسانها هرگز آن را پذیرا نمی‌شود و تنها کسانی به سراغ آن می‌روند که دلی بیمار و فکری منحرف دارند؛ اما هنگامی که باطل را در لباس حق بپیچند و آن را با حق بیارایند، کار مشکل می‌شود و گاه حق طلبان گرفتار این فریب و نیرنگ شده به آن روی می‌آورند و این یکی از انواع شبهه است. گاهی نیز مقداری از حق با مقداری از باطل آمیخته گردد و چهره زشت و شوم باطل در این میان پنهان گردد.

نوع دیگر شبهه آن است که باطل را از طریق توجیهات فریبنده در نظرها حق جلوه دهند بی آن که به حق آمیخته شده باشد.

تاریخ بشر پر از مشکلات و مصایبی است که از طریق شبهات و وسوسه‌های شیطانی دامان انسانها را گرفته است. شیادان و فریبکاران با ایجاد شبهات، خود را بر مردم صالح ساده دل تحمیل می‌کنند. جنگهای سه گانه معروفی که در بصره، صفین و نهروان رخ داد و گروه زیادی را به کام مرگ کشاند، نمونه‌های روشنی از سوء استفاده شیادان از شبهه

برای پیشرفت مقاصدشان محسوب می‌شود.

امام علی^{علیه السلام} در این خطبه می‌فرماید با چراغ تقوا، تاریکیهای شبهات را برطرف سازید و در پناه این سنگر مطمئن از ضربات هولناک شیاطین و نفس اماره در امان بمانید.

۳- دریافت عطاها و بخششهای

بسیار از جانب حق تعالی

«تقوای خدا کلید هدایت و رستگاری (دنیا و آخرت) و اندوخته برای روز قیامت و سبب آزادی از هسر بندگی (شهوتها و خواهشهای نفس) و رهایی از هر تباهی است، به واسطه تقوا، حاجت درخواست کننده روا می‌گردد و گریزان (از عذاب و سختی) رهایی می‌یابد و عطاها و بخششهای بسیار (از جانب حق تعالی دریافت می‌شود).»^۲

ذات اقدس خداوند، ایمان و تقوا را نخستین سبب روزیهای زمینی و آسمانی معرفی می‌کند:

و چنانچه مردم شهر و دیار همه ایمان می‌آوردند و با تقوا می‌شدند، همانا ما درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آنها می‌گشودیم.^۳

هرکس که از محرمات الهی به خاطر خدا و ترس از او بپرهیزد، خدای متعال او را از تنگنای وهم و زندان شرک نجات می‌دهد و رزق مادی و معنوی را فراهم

(۱) نهج البلاغه، خطبه ۱۶

(۲) همان منبع، خطبه ۲۲۱

(۳) اعراف، ۹۶

امور را با بینشی الهی مورد تحلیل قرار داده، راه درست را از راه باطل تشخیص دهد و در مقام عمل به دلیل داشتن قدرت ایمانی و اعتقادی با تمام مشقات و نابسامانیهای درونی و بیرونی مواجه و به هدف خود نایل شود. صبر و خویشتنداری در برابر حوادث گوناگون ارزش تربیتی زیادی دارد و برای کمال و رشد جسمی و روانی انسان مفید و ضروری است. جایگاه صبر در تربیت اسلامی و نسبت آن به این همانند نسبت بدن به سر است؛ همان طور که بدن بدون سر، ارزش و فایده‌ای ندارد؛ ایمان بدون صبر نیز ارزش ندارد؛ وقتی ایمان کامل است که همراه آن صبر و خویشتنداری در همه حالات و رفتار و کردار باشد.

۶- مصونیت از گناه

«بندگان خدا بدانید، تقوا سرای حصار و دار ارجمندی است، و گناه، سرای حصار و دار خواری که ساکن خود را (از بلا و سختی) نگاه نمی‌دارد، و هر که به آن پناه برد، حفظ نمی‌کند. آگاه باشید به سبب تقوا، نیش و هر دار گناهان دور می‌شود و به یقین و باور پایان بلند مرتبه به دست می‌آید.»^۱

یکی دیگر از آثار بارز تقوا حفظ خود از معاصی است: اگر چه روشن بینی

و مشکلات پیش آمده را از سر راه خود برمی‌دارد.

تأثیر تقوا در رفع سختیها و مشکلات

سختیها دو نوع است: سختیهایی که اراده و اختیار انسان هیچ‌گونه دخالتی در آنها ندارد، مانند طوفانی شدن دریا و غرق شدن کشتی، و نوع دیگر گرفتاریهایی است که اراده و اختیار انسان در آنها دخالت دارد؛ مانند گرفتاریهای اخلاقی و اجتماعی؛ تقوا تأثیر بسیاری در رفع گرفتاریهای نوع دوم دارد؛ زیرا گرفتاریها و سختیها در تاریکی پیدا می‌شود؛ آنگاه نور تقوا در ظلمت معاصی پدیدار گردد، راه از چاه تمیز داده می‌شود؛ همچنین تقوا سبب می‌شود که انسان نیروهای ذخیره وجود خود را در راههای لغو و لهو و حرام هدر ندهد و همیشه نیروی ذخیره داشته باشد. بدیهی است که انسان نیرومند و با اراده بهتر تصمیم می‌گیرد و راحت‌تر می‌تواند خود را از بند گرفتاریها نجات دهد.^۲

۵- صبر کردن در سختیها

فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ... فِي الزَّلَازِلِ وَقُورٍ، وَ فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٍ، وَ فِي الرِّخَاءِ شُكُورٍ، لَا يَحِيْفُ عَلَيَّ مَنْ يَبْغُضُ...^۳ «پرهیزکاران در دنیا دارای فضیلتها هستند: ... در سختیها باوقار و بردبار، و در ناگواریها شکیبا و در خوشی و آسایش سپاسگزارند، کسی را که دشمن دارند بر او ستم نمایند...»

صبر و حلم یکی از مهمترین نتایج تقواست. انسان متقی می‌تواند عواقب

می‌کند و آنچه را که امیدوار بود به وسیله سعی و کوشش خود به دست آورد، خدای تعالی برایش فراهم می‌کند؛ زیرا او به خدا توکل کرده است و کسی که بر خدا توکل کند، خداوند کفیل او می‌شود.

۴- غلبه بر سختیهای دنیا و آخرت

«پس هر که تقوا پیشه کند، سختیها بعد از نزدیک شدن و رو آوردن به او، از او دور و کارهایش از تلخی برای او شیرین و موجها (فته و تباهاکاریها) پس از پی در پی رسیدن بر او برطرف می‌شوند. دشواریها پس از رنج دادن، برای او آسان و کرامت و لطف (خداوند متعال) بعد از نیابی برای او بسیار و رحمت و مهربانی پس از دور شدن، به او بازگشت می‌کنند و نعمتها پس از کم شدن بر او فراوان می‌گردند و برکت مانند باران بزرگ قطره پس از انسداد بساریدن به او برسد.»^۴

هر کس تقوای الهی را پیشه کند، خدای تعالی برایش راه نجاتی از تنگنای مشکلات زندگی فراهم می‌کند. انسان متقی از سوی خدا به نیروی دفاعی خاصی مجهز می‌شود که هم از جنبه درونی - در مواجهه با صفات نفسانی - و هم از جنبه بیرونی - در مواجهه با حوادث گوناگون - قدرت فائق آمدن بر مشکلات را به او می‌دهد.

انسان متقی در کوران حوادث و امواج کوبنده یأس و ناامیدی با تمسک به ریسمان الهی خود را نجات می‌دهد و چون از انسوار الهی بهره می‌گیرد از فیوضات الهی برخوردار شده، معضلات

(۱) نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹

(۲) ده گفتار، مرتضی مطهری، ص ۶۰

(۳) نهج البلاغه، خطبه ۱۸۴

(۴) همان منبع، خطبه ۱۵۶

حاصل از این صفت الهی، انسان را نسبت به ضلالت و گمراهی آگاه می‌سازد، اما نقش تقوا صرفاً آگاهی دادن نیست و فراتر از علم و آگاهی، گرایش عملی نیز مدنظر است. منظور نخست از این اثر تربیتی نقش فعال تقوا در حیات انسانی است.

در بینش اسلامی، انسان متقی تمایل درونی و باطنی به خدا دارد و نیرویی، حرکت او را به سوی خدا تنظیم می‌کند و از انحراف در مسیر زندگی نجات می‌دهد.

۷- زره محکم و سپر مطمئن

«بندگان خدا شما را به تقوا سفارش می‌کنم؛ زیرا تقوا حق خدا بر شماست. و حق شما را بر خدا لازم و برقرار می‌نماید، و شما را سفارش می‌کنم به اینکه از خدا برای تقوا کمک بطلبید و از تقوا برای (قرب به) خدا همراهی درخواست نمایید؛ زیرا تقوا، امروز (دنیا) پناه و (در برابر سختیها و گرفتاریها) سپر است و فردا (قیامت) راه بهشت است؛ راه آن آشکار، و رونده در آن سود برنده، و امانتدار آن (خداوند) حافظ و نگهدار است.»^۱

۸- پناهگاه استوار و دستگیره محکم

«پس به تقوا دست اندازید؛ زیرا تقوا ریسمانی محکم و پناهگاهی استوار است.»^۲

توجه امام در این کلام به جنبه روانی و معنوی تقوا و آثاری که بر روح می‌گذارد معطوف است؛ به طوری که

احساس میل به پاکی و نیکوکاری و احساس تنفر از گناه و پلیدی را در فرد به وجود می‌آورد.

۹- حرص در علم

«از نشانه‌های انسان متقی آن است که در امر دین تواناست، و در نرمی و خوشخویی دوراندیش و در ایمان با یقین و در (طلب) علم حریص و در بردباری دانا است...»^۳

دین اسلام انسان را به کسب علم توصیه کرده است. اسلام علم را نور و بینایی و جهل را ظلمت و کوری می‌داند. فرد متقی نیز به دلیل آنکه دارای روشن‌بینی و بصیرت است به همین خاطر به دنبال نور و روشنایی خواهد رفت و در راه کسب آن حریص خواهد بود.

۱۰- میانه نگه داشتن در توانگری

«از نشانه‌های یک فرد متقی این است که در توانگری میانه‌رو (اسراف نکرده، دارایی خود را بی جا صرف نمی‌کند) و در بندگی و عبادت فروتن است و در فقر و نیاز مندی آراسته جلوه می‌کند.»^۴

هر حرکت و فعل تربیتی باید بر اعتدال استوار باشد و از حد وسط بیرون نرود و به افراط و تفریط کشیده نشود تا حرکت و فعلی مطلوب باشد. آیین تربیتی دین اسلام به اعتدال در هر امری فرامی‌خواند و مجموعه قوانین و مقررات و آداب دینی به گونه‌ای است که مردم، متعادل تربیت شوند. خداوند اموال و

داراییها را وسیله‌ای برای برپایی امور انسانها و بستری مناسب برای حرکت متعادل و رشد آنان قرار داده است.

فزون خواهی و تکاثرطلبی، فرد و جامعه را به سوی تباهی می‌کشاند. امیر مؤمنان علی علیه السلام در نامه‌ای که به کارگزار آذربایجان می‌نویسد، چنین می‌فرماید: «مبادا بینداری که حکومتی که به تو سپرده شده است شکاری است که به چنگت افتاده است! خیرا امانتی است در گردن تو (که بایستی آن را مواظبت نمود، در راه آن قدمی بر خلاف دستور دین برنداری) و خواسته‌اند که تو نگهبان باشی، برای کسی که از تو بالاتر است، تو را نمی‌رسد که در کار رعیت به میل خود رفتار کنی.»^۵

در نامه‌ای که آن حضرت به سران لشگرهایش نوشته است، چنین می‌فرماید: «لازم است والی را که هرگاه امتیازی کسب می‌کند و به افتخاری نائل می‌شود آن فضیلتها و موهبتها او را عوض نکند، رفتار او را با رعیت تغییر ندهد بلکه باید نعمتها و موهبتهای خدا بر او، او را به بندگان خدا نزدیکتر و مهربانتر گرداند.»^۶

علی علیه السلام در دوره خلافت و حکومت خویش، بیش از هر وقت دیگر زاهدانه

(۱) نهج البلاغه، خطبه ۲۳۲

(۲) همان منبع، خطبه ۲۳۲

(۳) همان منبع، خطبه ۱۸۴

(۴) همان منبع

(۵) نهج البلاغه، نامه ۵

(۶) همان منبع، نامه ۵۰

زندگی می‌کردند و می‌فرمودند: «خدای تعالی به پیشوایان حق واجب گردانیده که خود را با مردم تنگدست برابر نهند تا اینکه فقیر و تنگدست را پریشان‌ش فشار نیاورده، نگران نسازد.»^۱

و همچنین در نامه‌ای به حاکم بصره می‌فرمایند: «آیا قناعت می‌کنم که به من بگویند زمامدار و سردار مؤمنان در حالی که به سختی‌های روزگار با آنان همدرد نبود یا در تلخکامی جلو ایشان نباشم؟»^۲

و در ادامه همان نامه می‌فرمایند: «ولی چگونه ممکن است هوای نفس بر من غلبه کند و مرا به سوی انتخاب بهترین خوراکیها بکشاند، در صورتی که شاید در حجاز یا یمامه افرادی یافت شوند که امید همین یک قرص نان را هم ندارند و دیر زمانی است که شکمشان سیر نشده است. آیا سزاوار است شب را با سیری صبح کنم در صورتی که در اطرافم شکمهای گرسنه و جگرهای گرم (تشنه) قرار دارد؟»^۳

۱۱- بهداشت جسمی و روانی

«همانا تقوای خدا داروی درد قلبها و روشنی بخش کوری دلها و بهبودی بیماری تنها و اصلاح فساد سینه‌ها و پاکیزگی آلودگی نفسها و روشنی پوشش دیده‌ها و ایمنی ترس دل و نور سیاهی تاریکی (نادانی) شماست.»^۴

رابطه تقوا با سلامت جسم و روان

انسان با تقوا که به حدّ و حق خود قانع و راضی است روحی مطمئنتر و اعصابی

آرامتر و قلبی سالمتر دارد. دائماً در فکر این نیست که کجا را ببلعد، ناراحتیهای عصبی او را به زخم روده و معده مبتلا نمی‌سازد، افراط در شهوت او را ضعیف و ناتوان نمی‌کند و عمرش طولانیتر می‌شود.

۱۲- پرهیز از طمع

«از نشانه‌های متقین آن است که می‌بینی در سختی شکیبا و حلال را جویا و در هدایت و رستگاری دلشاد و از طمع و آز دور هستند.»^۵

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در مورد بیت‌المال مسلمانان دقت بسیار مبذول می‌کردند و چون مالی می‌رسید، آن را تقسیم می‌کردند و چیزی در بیت‌المال باقی نمی‌ماند، فقط در مواردی که فرصت نبود تقسیم را به روز بعد موکول می‌کردند. ایشان هیچ‌گاه چیزی از غنائم را برای خود انتخاب نمی‌کردند و برای دوستان و خویشان خود تبعیض قائل نمی‌شدند. و در وصیت به امام حسن (علیه السلام) می‌فرمایند: «و برحذر باش از اینکه شترهای طمع و آز تو را به تندی به آبشخورهای تباهی ببرند (بر اثر طمع به دنیا و کالای آن، مرتکب حرام مشو که به عذاب الهی گرفتار خواهی شد).»^۶

۱۳- عمل کردن به نیکی و

مداومت بر انجام آن

«از نشانه‌های متقین این است که مردم به نیکیی او چشم داشته و از بدیش آسوده‌اند، کار نکوهیده از او دیده نشده کار پسندیده‌اش هویداست، نیکیی به او

روی آورده و بدی به او پشت کرده است.»^۷

علی (علیه السلام) در طلیعه حکومت بر حق خود به اصلاح اجتماع قیام کرد و در این باره چنین فرمود: «سوگند به کسی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به حق فرستاد، هرآینه در هم آمیخته و غربال شوید و جدا گردیده و بر هم زده شوید؛ مانند بر هم زدن کفگیر آنچه را که در دیگ طعام است تا اینکه پست‌ترین شما به مقام بلندترین شما و بلندترین شما به مقام پست‌ترین شما برگردد.»^۸

حضرت با چنین بینشی شروع به اصلاحات اداری و اجتماعی کرد. وی استانداران و فرماندارانی را که نسبت به مردم ستم کرده بودند از کار برکنار کرد. افرادی که در زمان عثمان، درآمد ملت را چپاول و ثروت مردم را ذخیره می‌کردند در حکومت علی (علیه السلام) تحت تعقیب قرار گرفتند.

علی (علیه السلام) به دنبال آن بود که عدالت را در میان اجتماع توسعه دهد و ستمگری را از میان بردارد و حکومتی ایجاد کند که بر اصول صحیح اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی استوار گردد.

(۱) نهج البلاغه، خطبه ۲۰۰

(۲) همان منبع، نامه ۴۵

(۳) همان منبع، نامه ۴۵

(۴) همان منبع، خطبه ۱۸۹

(۵) همان منبع، خطبه ۱۸۴

(۶) همان منبع، نامه ۳۱

(۷) همان منبع، خطبه ۱۸۴

(۸) همان منبع، خطبه ۱۶

۱۴- ایجاد خیر و نیکی

«دنیا و آنچه در آن است می‌فریبد، فانی است و هر که در آن است نابود می‌شود، خیر و نیکویی در هیچ یک از توشه‌های آن نیست مگر در تقوا.»^۱

براستی که برای حرکت در مسیر زندگی دنیوی، هیچ ره توشه‌ای نیکوتر از تقوا نیست. امیر مؤمنان (علیه السلام) با تمام وجود این حقیقت را دریافته بود و این چنین بود که توانست با یاری این توشه که جز خیر و نیکی ثمری ندارد، حکومت عدل را در دوران خلافت خویش برقرار سازد.

۱۵- برترین توشه

«امام علی (علیه السلام) پس از بازگشت از جنگ صفین، به گورستان کوفه رسید، روبه قبرها کرد و پس از توصیف دنیا سؤال فرمود: پس خبر آنچه نزد شماس است چیست؟ پس از آن به سوی یارانش نظر افکنده فرمود: بدانید اگر ایشان را در سخن اجازه و فرمان بود به شما خبر می‌دادند که بهترین توشه (در این راه) تقواست.»^۲

۱۶- سبقت در انجام کار نیکو و

رستگاری کردار

«پس کسی که تقوا را اشعار قلبش قرار دهد، در خیر و نیکویی از دیگری پیشی گیرد و رستگار گردد، غنیمت دانید بهره‌های تقوا را.»^۳

۱۷- استواری در برابر لغزشها

«همت و اندیشه من در این است که

نفس خود را با تقوا تربیت و خوار گردانم تا در روزی که ترس و بیم آن بسیار است (قیامت) آسوده باشد، و در لبه لغزشگاه استوار ماند.»^۴

۱۸- قوت در دین، خوشخویی و نرمی

«از نشانه‌های پرهیزگاران آن است که تو می‌بینی در امر دین توانا و در نرمی و خوشخویی دور اندیش و در ایمان با یقین هستند. خداوند در نظر آنان بزرگ، و غیر او - هرچه هست - در دیده آنها کوچک است. یقین و باورشان به بهشت مانند یقین و باور کسی است که آن را دیده و ایمانشان به آتش همچون ایمان کسی است که آن را دیده که اهل آن در آن گرفتار عذابند.»^۵

یکی از خصوصیات مهم یک زمامدار مسلمان این است که فهم صحیح دینی داشته باشد تا بتواند دستورات و فرامین دینی را در جنبه‌های مختلف آن به نحو صحیح و شایسته در جامعه برپا سازد و علاقه و دل‌بستگی مردم را به دین روزبه روز بیشتر کند؛ البته این مهم زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که زمامدار بتواند با بیان نرم، رشته محبت بین خود و مردم را محکم گرداند که در این صورت مردم به او امیدوار می‌شوند و در سایه حکومتش، عدالت برقرار خواهد گشت.

۱۹- برترین دارایی

«و بدانید که از جمله نعمتها، دارایی فراوان است و بهتر از دارایی فراوان تندرستی است و بهتر از تندرستی تقوای قلب است.»^۶

۲۰- بازداشتن از کار حرام

(خودسازی)

«بندگان خدا! تقوا، دوستان خدا را از ارتکاب حرام باز می‌دارد و خوف و ترس - از عذاب - در دل‌هایشان قرار می‌دهد، به طوری که آنان را شبها - برای نماز - بیدار و در شدت گرمی روزها (برای روزه) تشنه نگاه می‌دارد؛ پس آسایش - آخرت - را به رنج - دنیا - و سیرابی - آن روز - را به تشنگی - امروز - تبدیل نمودند و مرگ را نزدیک دانسته به انجام عمل نیکو شتافتند و آرزو را دروغ پنداشته به سر رسیدن عمر را در نظر گرفتند.»^۷

نتیجه

براستی مادامی که تفکرات و گفتار و کردار شخص مستند به عامل تقوا نباشد نتیجه‌های به دست آمده همانند امواج و طوفانهایی است که تحت تأثیر عوامل بیرون از ذات انسانی، فرو می‌نشینند و از بین می‌رود.

تمام حق کشیها، دروغ‌گوییها، بی‌عدالتیها، تجاوزها و ستمگریها و نادانیه در عرصه حکومتها بشری نشأت گرفته از عدم پابندی زمامداران به اصول اخلاقی و مجهز نبودن آنان به سلاح تقوا

(۱) نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰

(۲) همان منبع، کلام قصار ۱۲۵

(۳) همان منبع، خطبه ۱۳۲

(۴) همان منبع، نامه ۴۵

(۵) همان منبع، خطبه ۱۸۴

(۶) همان منبع، کلام قصار ۳۸۱

(۷) همان منبع، خطبه ۱۱۳

و در نتیجه عدم مصونیت روحی و اخلاقی آنان است. نخستین شرط تشکیل یک حکومت دادگر، وجود یک زمامدار باتقواست تا جامعه در سایه تصمیم‌گیریها و فرمانهای او دارای امنیت، عدالت، فضیلت، بصیرت و مصونیت گردد. حاکمی که از یک سو به مدد نور حاصل از روشن‌بینی و بصیرت تقوا و بینش و معرفت زیاد از وقوع در شبهات

مصون می‌ماند و در مواجهه با شدائد و سختیها و لغزشها به مدد زره محکم و سپر مطمئن تقوا صبر و تأمل می‌نماید تا بتواند خود و مردم تحت حکومت خویش را، از عواقب ناشایست آن مصون دارد و با سلامت به دست آمده از بهداشت جسمی و روانی حاصل از تقوا، حد اعتدال را در زندگی فردی و اجتماعی رعایت کرده و با پرهیز از طمع هیچ‌گاه به افراط و تفریط کشیده نمی‌شود و در همه

حالات حق و عدالت را آنگونه که شایسته است، برپا می‌دارد. همچنین با توجه به فهم دینی برآمده از تقوا و ایمان به پایان پذیری عمر به خودسازی خویش می‌پردازد و در مواجهه با مردم با خوشخویی و نرمی برخورد می‌کند و امور آنان را به خوبی حل و فصل می‌نماید.

منابع:

- قرآن کریم

- بیست گفتار: مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸

- پیام امام شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه: مکارم شیرازی با همکاری جمعی از فضلا، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹، ج ۱ و ۲

- ترجمه و تفسیر نهج البلاغه: محمد تقی جعفری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲، ج ۳ و ۴ و ۶ و ۱۱ و ۱۲ و ۲۰ و ۲۱

- تفسیر المیزان: علامه سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی

با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۳، ج ۷ و ۹ و ۱۹

- تفسیر نمونه: مکارم شیرازی با همکاری جمعی از دانشمندان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲

- ترجمه و شرح نهج البلاغه: فیض الاسلام

- درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی: اهداف تربیت از دیدگاه اسلام: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، انتشارات سمت، ۱۳۷۶

- ده گفتار: مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۹

- سیری در نهج البلاغه: تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸

- سیری در تربیت اسلامی: مصطفی دلشاد تهرانی، تهران، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۷۶

- مراحل اخلاق در قرآن: آیه‌الله جوادی آملی، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸

- المعجم المفهرس (الفاظ نهج البلاغه): سید کاظم محمدی، محمد دشتی، نشر امام علی (ع)، قم، چاپخانه مهر، ۱۳۶۹

- مقدمه‌ای بر روشهای تعلیم و تربیت در نهج البلاغه: محمد جواد لیاقت‌دار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس

- نگرشی بر اخلاق از دیدگاه قرآن: ناصر خدایاری، صادق مرادی، تبریز، انتشارات سالار، ۱۳۷۹

- نشریه حکومت اسلامی، ویژه اندیشه و فقه سیاسی اسلام: سال اول، ۱۳۷۵، ج ۱-۲